



عکس: مهدیه غفورزاد افشار

خاک برداشت تا یک لوله گاز توی کوچه کشیدند. گفتیم ارزش دارد و حداقل زمستان از سرما نمی‌لرзим اما لوله گاز را در خیابان اصلی گذاشتند و حاجی حاجی مکه! خودمان دست به کار شدیم و

با دهیاران بقیه روستاها موضوع را پیگیری کردیم. پیمانکار شرکت گاز می‌گوید به‌خاطر نوسانات بازار، قیمت لوازم زیاد شده است و با این شرایط بودجه‌ای برای تمام کردن پروژه ندارند.»

حرف این دهیار این است که «مردم» روستاهای بلوک اردمه ۴۰سال بدون گاز و نفت زندگی کرده‌اند و حرفی نیست اما این بی‌مهری‌ها و کم‌کاری مسئولان آزاردهنده است.» بعد با تعجب ادامه می‌دهد: واقعا خنده‌دار است؛ به ما گاز ندادند اما اسم روستاهای بلوک اردمه را در لیست روستاهای دارای گاز گذاشتند. می‌گویند

اردمه باید تا آخر سال ۹۸ گازدار می‌شدند. با همین استدلال تعداد سیلندرهای گاز مایع را هم که به این محدوده اختصاص می‌یافت، کم کرده‌اند. موضوع نفت و سهمیه‌بندی آن را هم که دهیار روستای مغان گفته‌اند. اوضاع ما هم مثل روستای مغان و بقیه روستاهای بلوک اردمه است. نریمان جملاتش را با عدد و رقم خاتمه می‌دهد؛ «مایه که اینجا هستیم، می‌دانیم سرمایه چله بزرگ و کوچک زمستان در روستاهای بلوک اردمه یعنی چه. اینجا باید روزی ۲۰ تا ۲۴لیتر نفت بسوزانید تا بتوانید شب و روز سرد زمستان را پشت

سر بگذارید. اگر کسی این اعداد را زیاد می‌داند، خودش یک روز زمستانی اینجا بیايد تا ببیند چقدر نفت مصرف می‌شود.»

● هزار وعده‌خوبان...

«سه دوره در شورای روستای مغان بوده‌ام. همه مسئولان آمدند و ما پذیرایی کردیم. قول دادند و رفتند. ما هم از روی قول آن‌ها به مردم قول دادیم. مسئولان رفتند پی کار و زندگی‌شان، انگار پایشان را که از روستا بیرون می‌گذاشتند، تمام ذهنشان پاک می‌شد و فراموش می‌کردند دیروز یا ماه قبل یا سال قبل چه قول‌هایی به ما داده‌اند. دریغ از اینکه کسی به قول‌هایی که داد، وفا کند. می‌گویند هزار وعده‌خوبان یکی وفا نکند؛ مثالش ماییم.» این‌ها سخنان عباسی، نایب‌رئیس شورای روستای مغان است. به قول خودش آن‌قدر بدقولی دیده است که زبانش تلخ شده. می‌گوید شیرینی‌ای نمانده تا حداقل کلام را با تلخی شروع نکنند.

او به‌خاطر حضور در سه دوره شورا، فهرستی از مشکلات قدیمی این محدوده دارد. می‌گوید: مردم این روستا آدم‌های صبوری هستند. چهار تا فرماندار انتخاب شد. هر چهار تا فرماندار آمدند روستا اما هیچ به‌هیچ‌می‌دانید بدی ماجرا کجاست؟ اینجا که ما بین مردمیم. هر روز چشم‌مان به اهالی روستا می‌افتد. پیرمردهایی که با کمر خمیده باید بروند کنده جمع کنند، یا پیرزن‌هایی که باید توی سوز سرما بروند بیرون خانه غذا درست کنند ما را

مغان است. قبیلش تاکید می‌کند که حرف زیاد است و او فقط خلاصه‌ای را بازگو می‌کند. می‌گوید: غار مغان هفتمین غار بزرگ جهان است اما هیچ کس به این غار مثل روستای مغان توجه نمی‌کند. شاید اگر غار مغان گوشه دیگری از ایران بود حال و روزش خیلی بهتر از الان بود. هفتمین غار بزرگ جهان شبیه زباله‌دانی شده است. همان چند توریستی که از اروپا و کشورهای عربی با بدبختی خودشان را از جاده خراب به غار می‌رسانند، تنها چیزی که می‌بینند، زباله است. برای غار برق کشیدند که بشود از دیدنش لذت برد. نه پلیس نه دکتر و نه حتی یک قرص مُسکن که اگر خدای نکرده برای توریستی اتفاق افتاد، بشود کاری کرد. هر کسی با این شرایط، دل به دریا، که چه عرض کنم، دل به غار بزند، خیلی باید عاشق و علاقه‌مند باشد! هر کاری که از دستمان برمی‌آمد انجام دادیم. از هر مسئولی پیگیری کردیم اما هیچ‌کس گوشش دهکارت نیست. این غار برای هیچ کدامشان مهم نیست. روستا هم اعتباری در این خصوص ندارد.

در همین حال، نیسانی نزدیک دهیاری توقف می‌کند. نایب‌رئیس شورای روستای مغان می‌گوید: شاهد از غیب رسید. این نیسانی است که برای اهالی، سیلندر گاز مایع می‌آورد. راننده پیاده می‌شود و در عقب نیسان را باز می‌کند. با تاکید عباسی محاسبه می‌کنیم تا ببینیم سیلندرها کی تمام می‌شود؛ «آمدن نیسان گاز وقت و زمان خاص ندارد که بگوییم مردم خبر دارند و آماده‌اند، معمولاً هفته‌ای یکی دو بار. تا برسد مردم به‌سرعت به هم خبر می‌دهند و در عرض چنددقیقه تمام سیلندرها تمام می‌شود.»

همان‌طور که عباسی پیش‌بینی کرده بود مردم خبردار می‌شوند و در عرض کمتر از ده دقیقه سیلندرهاي گاز را می‌برند؛ یکی با فرعون، یکی با موتور، یکی هم روی شانه‌هایش.

● مسیرمال‌روغار

آن‌طور که نایب‌رئیس شورا می‌گوید از چند سال پیش مرمت و بهسازی جاده دسترسی به غار را شروع کرده‌اند؛ «گفتیم حداقل یک جاده دسترسی برای اوزانس و پلیس درست کنیم تا اگر خدای نکرده برای گردشگر یا کسی اتفاقی افتاد، نیروهای امدادی و نظامی بتوانند زودتر خودشان را برسانند. با کلسی دوندگی بالاخره ۶۰۰میلیون تومان بودجه برای جاده دسترسی نیروهای امدادی اختصاص دادند. با این پول، کار را شروع کردند و جاده را تا حدودی ساختیم. مدتی نگذشت که فرماندار عوض شد. او اولین کاری که کرد، ساخت این پروژه را متوقف کرد. برای ما جای سوال است که چرا ساخت جاده دسترسی به غار را که توسط فرماندار و بخشدار قبلی تایید شده بود، متوقف کردند؟ اگر این جاده و ساختش اشتباه بود چرا ۶۰۰میلیون تومان دادید؟ این اعتبار بدون آنکه جاده تکمیل بشود حیف و میل شد. الان سه قسمت کوه ریزش کرده است و نمی‌شود این غار زیبا را دید. مسیر هم مال‌رواست و گردشگر باید با مال خودش را به غار برساند.»

● ظرفیت گردشگری غار مغان زیر زباله‌ها!

ادامه حرف‌های این قدیمی روستا از غار

● بی‌پولی در میان جماعت پولدار

عباسی آخرین مشکل را داستان پولداري و بی‌پولی می‌داند؛ «مشکل بزرگ ما این است که روستای ما را با طر‌قبه‌شاندیز که بر خور دارند، یکی کرده‌اند. در این شرایط هر چه می‌گوییم حرف‌مان خریدار ندارد. ما دور افتاده‌ترین محدوده طر‌قبه‌شاندیز هستیم. حداقل ۷۰کیلومتر فاصله داریم. از همه چیز دور افتاده و محروم. گفتیم ما که با مشهد ۲۷کیلومتر فاصله داریم حداقل ما را با مشهد یکی کنید، قبول نکردند. همه این چیزها به کنار؛ ما برای اینکه به بخش برسیم باید ۷۵کیلومتر دور بزیم. یعنی اول از مرکز استان باید رد شویم بعد شهرستان، بعد بخش. هیچ جای ایران این شکلی نیست!»

● خودمان دست به کار شدیم

روستای اردمه، آخرین روستای این محدوده است. داخل یکی از کوچه‌های روستا کانالی کنده‌اند. کوچه‌ای با عرض کم و خانه‌های کاهگلی و شیب زیاد. چند مرد با چند سطل، خاک کانال کنده‌شده را دست به دست به نفر آخر می‌رسانند تا او بیرون بریزد. عرض کم کوچه و حفر کانال، جایی برای رفت‌وآمد نگذاشته است. آن‌طور که مهدی عباسی، دهیار جوان روستای اردمه، می‌گوید این کوچه اصلی‌ترین کوچه روستاست. او ادامه می‌دهد: این کوچه به باغ‌ها و رودخانه راه دارد و به‌خاطر همین کوچه اصلی حساب می‌شود. ۹۰درصد رفت‌وآمد مردم روستا و گردشگرها از این کوچه است. روستاهای بلوک اردمه از مدل روستاهای پلکانی است. همه خانه‌ها از کنار جاده به بالا شروع می‌شوند.

می‌گوید کانال حفر شده برای گاز کشی روستاست؛ «می‌خواهیم این کوچه را سنگ‌فرش کنیم که برای مردم و گردشگران جذابیت داشته باشد. فقط برای لوله گاز مشکل داریم. شرکت گاز، چند لوله آورد و آسفالت جاده اصلی روستای اردمه را خراب کردند و رفتند.

برای اینکه دوباره کاری نشود، خودمان با مردم خوب روستا دست به کار شدیم. کوچه را حفاری کردیم تا لوله گاز را داخل زمین بگذاریم. حداقل کوچه را زودتر سنگ‌فرش کنیم که مسیر رفت‌وآمد مردم ترمیم‌پذیر باشد. حالا شرکت گاز، زمان سرشان گرفت، بیایند بقیه پروژه را اجرا کنند!»

● نادیده گرفتن نقشه پلکانی روستا در طرح‌های

دهیار روستای اردمه هم مشکل گاز را مثل بقیه دهیاران روستاهای بلوک اردمه مشکل اصلی می‌داند، باین حال خواسته دیگری هم دارد. اینکه طرح‌های روستاهای بلوک اردمه و به‌ویژه خود روستای اردمه بازنگری شود. او می‌گوید: طرح‌های روستای ما سال ۸۹ مصوب شده است و الان باید بازنگری بشود. نکته مهمی که باید در طرح‌های روستاهای این محدوده به آن توجه کرد، کوچه‌های پلکانی این روستاهاست. اصلاً خود روستاهای این محدوده پلکانی است. اما در طرح‌های روستا این موضوع لحاظ نشده و برای ما مشکل درست کرده است.

کندی روند اجرای گازرسانی به این روستاها را در دست بررسی دارد و چنانچه مفاد پیمان اجرایی نشود، فسخ پیمان صورت می‌گیرد.

او در ادامه دو قول به مجموعه حرف‌هایش اضافه می‌کند و می‌گوید: چنانچه فسخ پیمان مطرح شود، تمام تلاش را بر این محور قرار می‌دهیم که با سرعت پیمانکار جدید انتخاب شود. قول دیگر اینکه به امید خدا سال آینده گاز را به روستاهای بلوک اردمه می‌رسانیم.

مدیر مهندسی و اجرای طرح‌های شرکت گاز خراسان رضوی در آتش به اینکه چقدر به این قول می‌توان اعتماد کرد، می‌گوید: با شرایط اقتصادی کشور نمی‌توان برای هیچ چیز قول صدرصدی داد اما تمام توان و تمرکزمان را برای گازرسانی به این روستاها به کار می‌گیریم.



روزنامه شهرامیدوزندگی

اشنبه ۱۳مهر ۱۳۹۰ ۱۳مهر ۱۳۹۰ شماره ۳۳۸

۵۵

جامعه

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲

۵۵۲